

بررسی حقوقی قراردادهای امتیازی جهت اجرای عملیات توسط شرکت‌های اکتشاف و تولید داخلی (مقاله علمی - پژوهشی)

حمیدرضا افشاری*
عباس کاظمی نجف‌آبادی**
علی امامی میبدی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲

چکیده

وزارت نفت ایران به منظور توانمندسازی شرکت‌های ایرانی برای اجرای پروژه‌های بزرگ داخلی و نیز حضور در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین انتقال و ارتقای فناوری ملی در حوزه عملیات بالادستی نفت، در ماده ۴ مصوبه هیئت وزیران، حضور یک شریک دارای صلاحیت ایرانی را در کنار شرکت بین‌المللی نفتی پیش‌بینی کرده است. در این راستا و بر اساس شیوه‌نامه، نحوه تعیین صلاحیت شرکت‌های اکتشاف، توسعه و تولید از میدان‌های نفت و گاز، صلاحیت هفده شرکت ایرانی به‌عنوان شرکت اکتشاف و تولید تأیید گردید. هم‌اکنون در شرایطی که شرکت‌های بین‌المللی نفتی بازار نفت و گاز ایران را ترک کرده‌اند، آیا کماکان محدودیت‌های قانونی در حوزه به‌کارگیری سایر الگوهای قراردادی در صنعت بالادستی نفت و گاز کشور برای شرکت‌های نفتی ایرانی نیز بایرجاست؟ هدف از این پژوهش امکان به‌کارگیری قراردادهای امتیازی توسط یک شرکت اکتشاف و تولید داخلی است. روش پژوهش، توصیفی و تحلیلی است. در این بررسی از قوانین و مقررات موضوعه نفت استفاده گردید. از آنجا که دولت ایران تصمیم‌گیرنده نهایی پیرامون پیشبرد عملیات نفتی است، نمی‌توان از آن به‌عنوان سلطه بر منابع نفت و گاز یاد کرد و بنابراین مغایرت جدی با اصول ۴۳ و ۱۵۳ قانون اساسی ایران ندارد. از طرف دیگر، شرکت‌های اکتشاف و تولید مشمول اصل ۸۱ قانون اساسی نیز نخواهند بود. در ماده ۶ قانون نفت ۱۳۶۶، تنها محدودیت در ورود سرمایه‌های خارجی در صنعت بالادستی نفت و گاز کشور مشاهده شده است که دوباره این منع قانونی شامل حال شرکت‌های اکتشاف و تولید نمی‌گردد. در آخر، بررسی حقوقی انجام‌گرفته نشان می‌دهد که منع قانونی جدی در به‌کارگیری رویکرد امتیازی در زمانی که عامل یک شرکت اکتشاف و تولید داخلی است، وجود ندارد.

کلیدواژه‌گان:

امتیازی، نفت و گاز، اکتشاف و تولید، ایران، IPC.

* دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه علامه طباطبایی

hamidreza.afshari@gmail.com

** استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

abaskazemi@gmail.com

*** استاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی

emami@atu.ac.ir

مقدمه

با توجه به نظام تک‌الگویی بیع متقابل، یکی از موضوع‌های مورد بحث در حوزه قراردادهای بالادستی نفت‌وگاز در ادبیات دانشگاهی، امکان به‌کارگیری دیگر الگوهای قراردادی، به‌ویژه رویکردهای امتیازی و مشارکت در تولید در نظام قراردادی نفت‌وگاز در ایران می‌باشد. اگرچه در عمل به‌نظر می‌رسد که قوانین ایران به‌جز بیع متقابل یا نوع پیشرفته آن که همان قرارداد نفتی ایران است، امکان به‌کارگیری سایر الگوهای قراردادی به‌طور صریح را مجاز ندانسته است، وجود برخی واگرایی‌ها در نتایج این پژوهش‌ها می‌تواند نشانه کمبود شفافیت در قوانین موضوعه ایران پیرامون نوع نظام قراردادی مجاز برای اجرای عملیات نفتی در ایران باشد. برای مثال، برخی بر این باورند که طبق قوانین برنامه پنج‌ساله چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با توجه به قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، به‌کارگیری رویکرد امتیازی در حوزه نفت‌وگاز ایران منع قانونی ندارد.^۱ در حالی که برخی دیگر با استناد به اصول ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی ایران معتقدند شرکت‌های بین‌المللی نفتی حق سرمایه‌گذاری را که در مقابل منجر به دریافت امتیاز یا حق مالکیت از سوی ایشان نسبت به منافع نفت‌وگاز ایران شود، نخواهند داشت.^۳ در پژوهشی دیگر، به این سبب که در قراردادهای مشارکت در تولید مالکیت نفت در مخزن کماکان در اختیار دولت میزبان بوده و حق هرگونه نظارت و مدیریت بر عملیات نفتی را برای بخش دولتی به رسمیت می‌شناسد، این قراردادها کاملاً منطبق با قانون اساسی ایران دانسته شده است.^۴ در حالی

۱. قلی‌زاده، مزده و لادن فرومند، *بررسی سیر تحولات قانونی قرارداد امتیاز در ایران*، فصلنامه مطالعات حقوقی، ۱۳۹۶، شماره ۱۸، ص ۶۲.

۲. عامری، فیصل و محمدرضا شیرمردی دزکی، *قراردادهای امتیازی جدید و منافع کشورهای تولیدکننده نفت: تحلیلی بر مالکیت نفت، نظارت و مدیریت دولت میزبان و رژیم مالی قرارداد*، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، بهار، ۱۳۹۳، شماره ۶، ص ۱۰۱.

۳. ابراهیمی، سیدنصرالله و محمد شیربجیان، *قراردادهای بالادستی نفت‌وگاز نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید*، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، ۱۳۹۳، شماره ۱۰، بهار، ص ۲۷.

۴. امانی، مسعود و محمدحسین حمیدزاده، *تحلیل حقوقی قراردادهای مشارکت در تولید در صنایع بالادستی نفت‌وگاز و قابلیت اعمال آن در حقوق ایران*، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال ۱۶، بهار و تابستان، ۱۳۹۴، شماره ۱ (پیاپی ۴۱)، ص ۱۶۷.

که از نظر برخی دیگر، نه تنها به کارگیری قراردادهای مشارکت در تولید در ایران با محدودیت قانون اساسی روبه‌روست، بلکه مالکیت شرکت نفتی نسبت به نفت‌وگاز تولیدی، مغایر با اصل مالکیت دولت بر منابع زمینی و تولیدی زیرزمینی دانسته شده است.^۱

بی‌تردید، وزارت نفت به‌منظور توانمندسازی شرکت‌های ایرانی برای اجرای پروژه‌های بزرگ داخلی و نیز حضور در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین انتقال و ارتقای فناوری ملی در حوزه عملیات بالادستی نفت در ماده ۴ مصوبه هیئت وزیران^۲ حضور یک شریک دارای صلاحیت ایرانی را در کنار شرکت بین‌المللی نفتی پیش‌بینی کرده است که این موضوع توسط پژوهشگران نیز پیش از این توصیه شده بود.^۳ اما آیا اینکه رویکرد بیع متقابل که پیش از این در صنعت بالادستی نفت‌وگاز کشور به کار گرفته شده و هم‌اکنون نیز به‌طور کامل کنار گذاشته نشده است یا قرارداد نفتی ایران^۴ که در این اواخر تدوین گردید، در توانمندسازی شرکت‌های نفتی داخلی و محقق ساختن موضوع کلیدی انتقال فناوری موفق عمل کرده باشد، تردید جدی وجود دارد. با توجه به پیچیدگی‌ها و شرایط خاص حاکم بر صنعت نفت، تکیه بر نظام حقوقی که حول محور یک الگوی قراردادی شکل گرفته باشد، آن‌طور که انتظار می‌رود، نمی‌تواند همه جوانب و نیازهای روزافزون چنین صنعتی را پوشش دهد. بنابراین، اتخاذ یک سیاست قراردادی چندالگویی به طرز شایسته‌تری می‌تواند قدرت مانور وزارت نفت را در راستای تحقق اهداف بلندمدت توسعه پایدار و حفظ منافع ملی بهبود بخشد.^۵

۱. منتظر، مهدی و سیدنصرالله ابراهیمی، جایگاه قراردادهای بیع متقابل در پروژه‌های بالادستی نفت‌وگاز ایران و مقایسه آن با قراردادهای مشارکت در تولید، مجله حقوقی بین‌المللی، پاییز و زمستان، ۱۳۹۲، شماره ۴۹، ص ۲۲۷.
۲. تصویب‌نامه در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب هیئت وزیران در سال ۱۳۹۴.
۳. نیک‌بخت، حمیدرضا و محمد آرین، طراحی الگوهای قراردادی جدید برای توسعه میادین هیدروکربوری ایران: بررسی و نقد قانون جدید وزارت نفت، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۷۱، ص ۱۱۶.

۴. Iran Petroleum Contract (IPC).

۵. نیک‌بخت، حمیدرضا و محمد آرین، طراحی الگوهای قراردادی جدید برای توسعه میادین هیدروکربوری ایران: بررسی و نقد قانون جدید وزارت نفت، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۷۱، ص ۸۵.

بنابراین، با توجه به حضور شرکت‌های اکتشاف و تولید ایرانی و همچنین امکان سرمایه‌گذاری داخلی در حوزه بالادستی نفت و گاز، آیا کماکان قراردادهای بیع متقابل (یا قرارداد جدید نفتی ایران) بهترین الگوی قراردادی محسوب می‌شود؟ با توجه به اینکه این اقدام وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران به تازگی و در سال ۱۳۹۴ انجام گرفته است، به نظر می‌رسد که پژوهش و بررسی جدی در این حوزه انجام نشده باشد تا این دغدغه کنونی را به درستی رفع نماید. بنابراین دیگر الگوهای قراردادی با توجه به ایرانی بودن شرکت نفتی دوباره باید مورد مطالعه قرار گیرد و از آنجایی که اجرای این الگوها در درجه نخست بدون بررسی جایگاه قانونی آن در مطابقت با قوانین و مقررات ایران امکان‌پذیر نیست، در این مقاله، قرارداد امتیازی در مطابقت با قوانین موضوعه نفت در ایران مورد بررسی حقوقی قرار گرفته است. قوانین و مقررات ایران حاکم بر قراردادهای نفتی را می‌توان به این شرح دسته‌بندی نمود: ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ۲- قوانین و مقررات نفت شامل قانون نفت مصوب ۱۳۶۶، قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ و قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱؛ ۳- قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. بررسی قوانین و مقررات نفت در حوزه به کارگیری قراردادهای امتیازی در ایران در سه بخش: الف) حاکمیت و مالکیت منابع نفتی؛ ب) نظام مالی قراردادهای امتیازی؛ ج) شیوه واگذاری و نظارت، انجام گرفته است. از آنجایی که در این قوانین و مقررات به نظام مالی قراردادهای امتیازی پرداخته نشده است، در بررسی حقوقی این بخش، از قوانین مرتبط در حوزه معادن کشور که از سازوکار امتیازی بهره می‌برند، استفاده گردید.

۱. قراردادهای امتیازی

امتیاز موافقت‌نامه‌ای است که بر اساس آن، حقوقی به یک شرکتی واگذار شده که این شرکت همه ریسک‌های یک سرمایه‌گذاری پرخطر را پذیرفته و از آزادی نسبی برای توسعه این سرمایه‌گذاری برخوردار است.^۱ تقریباً نیمه نخست قرن بیستم به اعطای امتیاز به شرکت‌های بین‌المللی نفتی امریکایی و اروپایی برای اکتشاف و تولید نفت در منطقه حوزه خلیج فارس و برخی

۱. Smith, E.E; Dzienkowski, J.S.; Anderson, O.L.; Lowe, J.S.; Kramer, B.M.; Weaver, J.L. (2010). *Materials on International Petroleum Transactions*, 3rd Edition, Rocky Mountain Mineral Law Foundation, p 448.

دیگر مناطق گذشت. این نسل از قراردادها به موافقت‌نامه‌های امتیازی نفتی سنتی^۱ معروف است. در قراردادهای امتیازی سنتی، مدت زمان قرارداد، منطقه قراردادی، چگونگی بهره‌برداری از منابع و حق شرکت نفتی دارنده امتیاز از منابع نفتی بسیار گسترده بوده است. در برخی از این قراردادها مدت امتیاز به ۴۰ تا ۷۵ سال و منطقه امتیازی بخش عظیمی از قلمرو جغرافیایی دولت میزبان را در بر می‌گرفت.^۲ ویژگی‌های مشترک قراردادهای اولیه امتیازی عبارت است از:^۳ واگذاری منطقه بسیار وسیع بدون شرط رهاسازی منطقه قراردادی،^۴ مدت زمان طولانی و احتمالاً بدون بازنگری، حق انحصاری شرکت خارجی برای انجام همه جنبه‌های عملیات نفتی، حق مالکیت شرکت خارجی بر روی منابع نفتی، معافیت گمرکی و مالیاتی، پرداخت بهره مالکانه نسبتاً کم با توجه به حجم نفت تولیدی و انتقال مالکیت تجهیزات به دولت پس از انقضای امتیاز.

اختیارات گسترده‌ای که شرکت‌های خارجی در کشور میزبان متعاقب اعطای امتیازات سنتی به دست آورده بودند و شیوه توزیع غیرمنصفانه منافع، آرام آرام و با آگاهی کشورهای میزبان به اهمیت اقتصادی و سیاسی نفت در حیات آنها، توسط دولت‌ها، مردم و حقوق‌دانان کشورهای مزبور به چالش کشیده شد.^۵ این چالش منتهی به گذار از رویکردهای قراردادی امتیازی سنتی به جدید در دهه پنجاه میلادی گردید. قراردادهای امتیازی جدید شکل اولیه قراردادهای امتیازی سنتی را حفظ کرده‌اند، لیکن نسبت به نمونه اولیه خود تغییرات مهمی داشته‌اند. مهم‌ترین تحولی که در امتیازات سنتی امتیازی رخ داد، می‌توان در پنج دسته تقسیم‌بندی کرد: ۱- تسهیم برابر سود؛ ۲- پرداخت بهره مالکانه جدید؛ ۳- پرداخت پذیره جدید؛ ۴- برداشتن معافیت مالیاتی؛ ۵- کنترل قیمت.^۶ اگرچه

۱ Traditional Oil Concession Agreement

۲. حاتمی، علی و اسماعیل کریمیان، *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری*، انتشارات تپسا، ۱۳۹۳، ص ۷۲۳.

۳. Gao, Z. (1994). *International Petroleum Contracts*, 1st Edition, International energy and resources law and policy series, p 13.

۴. Relinquishment Clause

۵. عامری، فیصل و محمدرضا شیرمردی دزکی، *قراردادهای امتیازی جدید و منافع کشورهای تولیدکننده نفت: تحلیلی بر مالکیت نفت، نظارت و مدیریت دولت میزبان و رژیم مالی قرارداد*، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، بهار، ۱۳۹۳، شماره ۶ ص ۶۵.

۶. Gao, Z. (1994). *International Petroleum Contracts*, 1st Edition, International energy and resources law and policy series, pp 14-15.

امروزه قراردادهای سنتی امتیازی از صنعت نفت جهان رخت بر بسته و دیگر از امتیازات تاریخی اثری نیست، ولی مدل پیشرفته و به‌روزشده آن همچنان در بسیاری از کشورها رواج دارد. قراردادهای امتیازی جدید دارای ویژگی‌هایی است که هنوز هم وجه تمایز این قراردادها از سایر قراردادهای مشابه به‌شمار می‌رود. مهم‌ترین این تفاوت‌ها عبارت‌اند از: استقلال شرکت نفتی در انجام عملیات نفتی و انجام فعالیت بر اساس صلاح‌دید خود، دخالت و نظارت حداقلی دولت بر نحوه اجرای عملیات، نظام ساده مالی و مبتنی بر پذیره، بهره مالکانه و مالیات، سهم کمتر درآمدی دولت و سهم بیشتر درآمدی شرکت نفتی، مالکیت بر تمام نفت تولیدی و دارای امتیاز تولید تا مدت نسبتاً طولانی.

ویژگی‌های ترتیبات امتیازی را می‌توان در سه بخش ۱- حاکمیت و مالکیت، ۲- نظام مالی و ۳- شیوه واگذاری و نظارت، خلاصه نمود. حاکمیت، اعمال سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت از سوی دولت میزبان در راستای بهره‌برداری از منابع نفتی خود، به‌طوری که هماهنگ با برنامه‌های کلان توسعه‌ای آن کشور باشد، تعریف شده است.^۱ هر چند حاکمیت یکی از مفاهیم کلیدی حقوق بین‌الملل است،^۲ به‌نظر می‌رسد پس از قطعنامه‌های مکرر سازمان ملل که مهم‌ترین آن قطعنامه ۱۸۰۳ (مصوب ۱۹۶۲) با عنوان حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی^۳ است، هم‌اکنون حق دولت‌ها بر چگونگی به‌کارگیری منابع طبیعی، از جمله منابع نفت و گاز، شناخته شده است و مورد احترام کشورها و همچنین شرکت‌های بین‌المللی نفتی قرار دارد. موضوع دیگر مالکیت است که خود یکی از جنبه‌های بارز اعمال حق حاکمیت بر منابع طبیعی است. مالکیت نفت در قراردادهای امتیازی تا زمانی که نفت تولید نشده است، در مالکیت دولت میزبان باقی می‌ماند و تنها پس از تولید است

. منتقل می‌شود.^۴

۱. به نقل از: عامری، فیصل و محمدرضا شیرمردی دزکی، **قراردادهای امتیازی جدید و منافع کشورهای تولیدکننده نفت: تحلیلی بر مالکیت نفت، نظارت و مدیریت دولت میزبان و رژیم مالی قرارداد،** فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، بهار، ۱۳۹۳، شماره ۶، ص ۶۸.

۲. De Alencar Xavier, Y.M. (2015). *Energy Law in Brazil: Oil, Gas and Biofuels*. Springer. Switzerland, p 195.

۳. Permanent Sovereignty over Natural Resources

۴. Picton-Turbervill, G. (2009). *Oil and Gas: A Practical Handbook*, Globe Law and Business, London, p 29.

درآمدهای اصلی که مطابق قراردادهای نفتی توسط شرکتها به کشورهای صاحب‌نفت پرداخت می‌شود، شامل چهار عامل پذیره،^۱ حق‌الارض،^۲ بهره مالکانه^۳ و مالیات است.^۴ پذیره معمولاً یک عوض نقدی است که توسط دارنده امتیاز در ازای دریافت امتیاز به کشور میزبان پرداخت می‌گردد. حق‌الارض در قراردادهای امتیازی مبلغی است که دارنده امتیاز برای هر کیلومترمربع از منطقه قراردادی، مادامی که این منطقه را برای انجام عملیات نفتی طبق امتیاز در اختیار دارد، به دولت میزبان باید پرداخت نماید. میزان این مبلغ به‌طور معمول کم بوده و برای هر کیلومترمربع ۱ تا ۱۰ دلار است.^۵ بهره مالکانه درصدی از تولید یا سود ناشی از عملیات است که به‌طور سالانه از طرف دارنده امتیاز به دولت میزبان در زمان تولید نفت و گاز پرداخت می‌شود. نرخ بهره مالکانه در کشورهای مختلف متفاوت است و بین ۱۰ تا ۲۰ درصد نوسان دارد، ولی به‌طور معمول ۱۲٫۵ درصد از تولید را به‌عنوان بهره مالکانه در نظر می‌گیرند.^۶ مالیات بر درآمد شرکت‌های خارجی یا تابع قوانین عمومی مالیات بر درآمد کشورهای میزبان است یا تابع قوانین خاص مالیات نفت. نرخ مالیات می‌تواند بین ۳۵ تا ۸۵ درصد نوسان داشته باشد که در بیشتر کشورها نرخ ۵۰ درصد اعمال می‌شود.^۷ به‌موجب قراردادهای امتیازی، عملیات نفتی به دو مرحله اکتشاف و تولید (یا اکتشاف و توسعه) تقسیم می‌شود که صاحب امتیاز باید برای هر دو مرحله برنامه‌های جداگانه‌ای ارائه نماید.^۸ در قراردادهای امتیازی جدید، شرکت‌های خارجی ملزم به ارائه گزارش پیشرفت

۱. Bonus

۲. Surface Fee

۳. Royalty

۴. قلی‌زاده، مژده و لادن فرومند، *بررسی سیر تحولات قانونی قرارداد امتیاز در ایران*، فصلنامه مطالعات حقوقی، ۱۳۹۶، شماره ۱۸، ص ۵۹.

۵. Bret-Rouzaut, N. and Favennec, J.P. (2011). *Oil and Gas Exploration and Production: Reserves, Costs and Contracts*. 3rd Edition, Editions Technip, Paris, p 194.

۶. Ibid. p 195.

۷. عامری، فیصل و محمدرضا شیرمردی دزکی، *قراردادهای امتیازی جدید و منافع کشورهای تولیدکننده نفت: تحلیلی بر مالکیت نفت، نظارت و مدیریت دولت میزبان و رژیم مالی قرارداد*، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، بهار، ۱۳۹۳، شماره ۶، ص ۹۰.

۸. همان، ص ۹۱.

۹. همان، ص ۷۶.

عملیات دوره‌ای به دولت میزبان می‌باشند. قراردادهای امتیازی جدید از سازوکار تعهدات کاری و کمینه هزینه برای وادار کردن صاحب امتیاز به انجام سریع‌تر عملیات استفاده می‌کنند.^۱

امتیازات نفتی را که پیش از امتیاز داری واگذار شده بود، (رویتز، هوتز و بانک شاهنشاهی) می‌توان امتیازات ابتری خواند که هرکدام پس از مدتی بدون حصول نتیجه لغو شدند و به همین دلیل جز نتایج کوتاه مدت، دستاورد خاصی نداشتند و از این رو چندان هم در روند تاریخی صنعت نفت ایران مؤثر نبودند.^۲ داری بر اساس امتیاز سال ۱۹۰۱، حق انحصاری انجام فعالیت‌های استخراج نفت و دیگر فعالیت‌های مرتبط با آن را در همه قلمرو کشور، به جز پنج استان شمالی، احتمالاً به سبب عدم ایجاد حساسیت و تحریک دولت روسیه^۳ برای مدت ۶۰ سال بهره‌مند شد. این قرارداد در مقابل دریافت صد هزار دلار پاداش، صد هزار دلار مالکیت سهام شرکت داری و ۱۶ درصد بهره مالکانه منعقد گردید و مطابق آن امتیاز انحصاری اکتشاف و بهره‌برداری از همه منابع نفتی ایران به وی واگذار شد.^۴ امتیاز ۱۹۰۱ داری در ۲۷ نوامبر ۱۹۳۲ حسب دستور دولت ایران ملغی گردید.^۵ امتیازنامه داری را می‌توان نمونه کاملی از یک قرارداد امتیازی سنتی برشمرد. این امتیاز که نتیجه ناکارآمدی و فساد حکومت مرکزی ایران بوده، دستاورد چندان برای ایران نداشته و بیشتر تأمین‌کننده منافع دولت انگلستان بوده است.^۶ هرچند برخی معتقدند که این امتیاز در زمان واگذاری، یک امتیاز توخالی بوده است؛ چرا که در آن زمان ایران میادین نفتی اثبات‌شده در اختیار نداشته و داری با سخت‌کوشی و کمی اقبال در آخرین لحظات کار، آن را تبدیل به بارزترین ذخیره منابع غیرمعدنی ایران کرد.^۷ قرارداد نفت ۱۹۳۳ در پی اعتراض دولت انگلیس از بابت ملغی شدن امتیاز داری منعقد شد که به نوعی آن را جایگزین قرارداد امتیاز داری می‌نامند؛

۱. همان، ص ۷۸.

۲. وحیدی‌راد، میکایل، روزنامه (ندای جنوب): **بررسی مواضع نخستین روزنامه مخالف قرارداد داری**

در ایران، پژوهش‌های علوم تاریخی، پاییز و زمستان، ۱۳۹۶، شماره ۱۶، ص ۱۲۰.

۳. ریسی، مینا، **امتیاز داری**، مطالعات تاریخی، تابستان، ۱۳۹۱، شماره ۳۷، ص ۱۸۸.

۴. صفاکیش کاشانی، حبیب اله و مهدی عباسی سرمدی، **بررسی تحولات تاریخی حقوقی در قراردادهای**

بین‌المللی امتیازی نفت و گاز، نشریه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، بهار، ۱۳۹۸، شماره ۵۲، ص ۸.

۵. شیروی، عبدالحسین، **حقوق نفت و گاز**، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶.

۶. ریسی، مینا، پیشین، ص ۲۰۳.

۷. یاراحمدی، مهدی، **بررسی ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی قرارداد داری برای دولت قاجار**، تاریخ-

پژوهی، زمستان، ۱۳۹۴، شماره ۶۵، ص ۲۴۷.

چرا که با وجود اعطای برخی امتیازها، در عمل متضمن منافع حداکثری شرکت نفت انگلیس بوده است.^۱ پس از قرارداد ۱۹۳۳ قرارداد فروش نفت و گاز و طرز اداره عملیات آن (معروف به قرارداد کنسرسیوم) در سال ۱۹۵۴ منعقد شد که اگرچه تحت عنوان امتیاز نبوده است، شیوه عملکرد اعضای کنسرسیوم بیانگر اعطای امتیاز به شرکت‌های نفتی تلقی گردید.^۲ در آخر، پس از اعتراض و سپس لغو قرارداد ۱۹۵۴، قرارداد فروش و خرید نفت ۱۹۷۳ با اعضای کنسرسیوم و شرکت‌های تابعه آنها منعقد گردید که اگرچه نسبت به قرارداد پیشین مزایایی داشته، کماکان روح قراردادهای امتیازی بر آن حاکم بوده است.^۳

۲. نظام حقوقی قراردادهای امتیازی

از آنجایی که کمیسیون حقوق بین‌الملل، قوانین داخلی را در راستای توسعه رویه حقوقی کشورها در تعیین اینکه آیا اعتقاد حقوقی دولت‌ها^۴ وجود دارد یا خیر، بسیار سودمند تشخیص داده است، بنابراین به منظور تعیین وضعیت حقوقی قراردادهای امتیازی در حقوق بین‌الملل، ارزیابی رویه دولت‌ها در حوزه ملی و بین‌المللی ضرورت دارد.^۵ برای مثال، در رأی داور در دعوی حقوقی طرح شده در قرارداد امتیازی اکتشافی علیه شرکت ملی نفت ایران توسط شرکت نفتی سفیر،^۶ این سوال که آیا امتیاز، موافقت‌نامه بین‌المللی محسوب می‌شود یا خیر، به شکل مستقیم طرح نگردید. با این حال، به نظر می‌رسد هیئت داور به شکل غیرمستقیم دعوا را بدون در نظر گرفتن قوانین ایران فیصله داده است.^۷ به طور کلی، بیشتر حقوق دانان بین‌المللی بر این باورند که طرفین موافقت‌نامه امتیازی در انتخاب نظام حقوقی حاکم بر روابط قرارداد آزاد هستند. این پیشنهاد انحراف

۱. حاتمی، علی و اسماعیل کریمیان، *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری*، انتشارات تیس، ۱۳۹۳، ص ۶۱۵.
 ۲. همان، ص ۶۱۸.
 ۳. همان، ص ۶۲۶.

۴. opinion juris

۵. Baloro, J. (1986). The legal status of concession agreements in international law. The Comparative and International Law Journal of Southern Africa, 19(3), p 418.

۶. Sapphire International Petroleum Ltd.

۷. همان، ص ۴۲۴.

بسیاری از قاعده حقوقی عرفی که ارجحیت را به حقوق داخلی^۱ می‌دهد، دارد.^۲ برخی حقوق دانان قانون حاکم بر قراردادهای امتیازی را اصول عمومی حقوقی مورد قبول ملل متمدن^۳ و برخی دیگر حقوق بین‌الملل عمومی^۴ می‌دانند.^۵ از طرف دیگر، هنری کاتن^۶ قرارداد امتیازی را همان موافقت‌نامه‌های تجاری دانسته که دارای برخی عناصر حقوق عمومی که در قراردادهای خصوصی وجود ندارد، تعریف کرده است. بر همین اساس، وی ترکیبی از حقوق خصوصی و حقوق عمومی را حاکم بر قراردادهای امتیازی دولت و یک شرکت خارجی می‌داند.

موضوعی دیگر که در قراردادهای نفتی باید در نظر داشت، ماهیت ویژه حقوقی طرفین قرارداد است.^۷ شناسایی ماهیت حقوقی طرفین قرارداد، برای مثال حضور طرف دولتی به‌مثابه بنگاه اقتصادی دولتی،^۸ در تعیین قانون حاکم بر قرارداد نیز اثرگذار خواهد بود.^۹ از طرف دیگر، امروزه اکثر کشورهای دارای منابع نفتی اصرار دارند که قانون حاکم بر قرارداد قانون کشور میزبان باشد؛^{۱۰} برای مثال می‌توان به قرارداد امتیازی نامیبیا، مصر، پرتقال، گامبیا و برزیل اشاره کرد. همچنین، قراردادهای دولتی^{۱۱} ممکن است اداری^{۱۲} بوده و تحت قانون اداری و یا تحت قانون خصوصی^{۱۳} از قانون مدنی^{۱۴} باشد.^{۱۵} این بحث اداری بودن یا نبودن قراردادهای نفتی در ایران نیز مطرح است.

۱. Municipal Law

۲. همان، ص ۴۳۷.

۳. General Principles of Law Recognized By Civilized Nations

۴. Public International Law

۵. همان، صص ۴۳۹ و ۴۴۲.

۶. Quoted in Lynch, J.C. (1987). *Petroleum Licenses/Contracts Force Majeure and Renegotiation Issues in Relation to the Recent Oil Price Collapse*, Dissertation submitted in part fulfilment for the award of the degree of LL.M. of the University of Glasgow, p 27.

۷. Lynch, J.C. (1987). *Petroleum Licenses/Contracts Force Majeure and Renegotiation Issues in Relation to the Recent Oil Price Collapse*, Dissertation submitted in part fulfilment for the award of the degree of LL.M. of the University of Glasgow, p 24.

۸. State Enterprise

۹. Ibid. p 23.

۱۰. شیروی، عبدالحسین، *حقوق نفت و گاز*، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳، ص ۵۰۷.

۱۱. State Contracts

۱۲. Administrative

۱۳. Private Law

۱۴. Civil Law

۱۵. Smith, E.E; Dzienkowski, J.S.; Anderson, O.L.; Lowe, J.S.; Kramer, B.M.; Weaver, J.L. →

صاحب‌نظران داخلی در شرح اداری قلمداد کردن قراردادهای نفتی، به مفاهیم بنیادین حقوق اداری در قراردادهای نفتی تمسک می‌جویند و در مقابل، عده‌ای باور دارند که قراردادهای نفتی ماهیتی ویژه دارند و در نتیجه، نه می‌توان آنها را در شمار قراردادهای اداری محض جای داد و نه در شمار قراردادهای صرفاً خصوصی.^۱ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که گروه دوم قائل به نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی بودن قراردادهای نفتی هستند. قراردادهای اداری، قراردادهایی هستند که به قصد انجام خدمت عمومی، یا برآوردن منفعت عامه یا کارکرد عمومی منعقد شده‌اند و متضمن شروط استثنایی یا فوائد ترجیحی یا حمایتی یا امتیازی یا اقتداری برای طرف عمومی قرارداد هستند.^۲ در صورت اداری بودن قرارداد، تکالیف حقوق عمومی و الزامات قراردادهای اداری مانند رعایت تشریفات مناقصه بر آن حاکم خواهد بود. در آخر می‌توان اظهار داشت که در خصوص وضعیت حقوقی قراردادهای بین‌المللی نفت اجماعی وجود ندارد.^۳

از آنجایی که یک طرف قراردادهای نفتی عموماً دولت‌ها یا شرکت‌های ملی نفت آنها هستند، پس قراردادهای نفتی قرارداد دولتی محسوب می‌شود. در این خصوص، شرکت ملی نفت ایران از منظر ماهیت شرکت دولتی است.^۴ قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶) در ماده ۴ خود شرکت دولتی را این‌گونه تعریف کرده است: بنگاه اقتصادی که به موجب قانون برای انجام قسمتی از تصدی‌های دولت به موجب سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری جزء وظایف دولت محسوب می‌گردد، ایجاد می‌شود و بیش از پنجاه درصد سرمایه و سهام آن متعلق به دولت است. اما مشکل در زمانی رخ می‌دهد که وظیفه تصدی‌گری

←(2010). *Materials on International Petroleum Transactions*, 3rd Edition, Rocky Mountain Mineral Law Foundation, p 444.

۱. امین‌زاده، الهام و علی نصراللهی، **تبیین ماهیت قراردادهای نفتی از دیدگاه حقوق اداری**، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۶ بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۱، ص ۲۱.
۲. مبارکی، مصطفی، محمدکاظم عمادزاده، و غلامحسین مسعود، **مراجع ذی‌صلاح داوری و دادرسی در قراردادهای اداری و نفتی ایران**، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال ۱۸، پاییز و زمستان، ۱۳۹۶، شماره ۲ (پیاپی ۴۶)، ص ۱۵۱.
۳. خسروی فارسانی، مسعود، فرامرز عطریا، و محمدشریف شاهی، **بررسی نظارت - مهار قراردادهای نفتی در پرتو اصول ذاتی نظارت**، حقوق اداری، سال هفتم، پاییز ۱۳۹۸، شماره ۲۰، ص ۷۴.
۴. گودرزی، زهرا و ولی رستمی، **تحلیل ماهیت درآمدهای شرکت ملی نفت ایران و نظام حقوقی حاکم آن**، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، پاییز و زمستان، ۱۳۹۷، شماره ۲، ص ۵۲۷.

شرکت‌های دولتی با وظیفه سیاست‌گذاری در آن حوزه خلط شود. کسی که در بخش تصدی‌گری اکتشاف و تولید می‌کند، نمی‌تواند هم‌زمان سیاست‌گذاری، کنترل و نظارت را هم بر عهده داشته باشد.^۱ موضوع فعالیت شرکت ملی نفت ایران مطابق با ماده ۵ قانون اساسنامه این شرکت (مصوب ۱۳۹۵) عبارت است از: مدیریت و راهبری فعالیت‌های تصدی و انجام عملیات بالادستی نفت و صنایع وابسته و نیز تجارت نفت در داخل و خارج از کشور در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، در حالی که همکاری با وزارت نفت در راستای تهیه برنامه‌های راهبردی نیز در بین وظایف شرکت ملی نفت ایران گنجانده شده است.

۳. بررسی حقوقی قراردادهای امتیازی

۳.۱. حاکمیت و مالکیت منابع نفتی

از آنجایی که منابع نفتی کشور با عنوان کلی معادن در قانون اساسی مورد خطاب واقع شده است و دادن امتیاز در این حوزه می‌تواند به یک شخص داخلی و یا خارجی رخ دهد، اصولی از قانون اساسی که می‌تواند به حاکمیت و مالکیت نفت و گاز ارتباط پیدا کند و از آنها در مقاله‌های مرتبط نام برده شده است، عبارت‌اند از: اصول ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۸۱ و ۱۵۳. در اصل ۴۳ ضوابطی که اقتصاد ایران بر روی آن استوار است، نام برده شده و آن بخشی که موضوع بحث به آن ارتباط دارد، بند هشتم از اصل ۴۳ است. در این بند سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور منع شده است. آنچه که از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بر می‌آید، این است که منظور از این اصل قطع وابستگی اقتصادی به خارج است.^۲ این پرهیز قانونی تنها با این تفاوت که از آن با عنوان عام‌تر سلطه بیگانه بر منابع طبیعی، فرهنگ، ارتش و همچنین منابع اقتصادی استفاده شده، در اصل ۱۵۳ نیز تکرار شده است. اعمال حاکمیت و کاستن سلطه سرمایه‌گذار خارجی

۱. طاهری فرد، علی، محمد شیربجیان و محمدرضا مهرافشان، بررسی تطبیقی اساسنامه‌های شرکت ملی نفت ایران در دوره زمانی ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۶: ارائه اصولی برای اساسنامه جدید، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، بهار، ۱۳۹۴، شماره ۱۴، ص ۱۲۵.

۲. مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۳، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۱۴۹۱.

بر صنعت نفت، از جمله اهداف اساسی دیگر کشورهای تولیدکننده نفت نیز می‌باشد.^۱ چنانچه واژه «سلطه بیگانه» را همان تسلط یا چیرگی یک طرف خارجی بر منابع طبیعی و اقتصادی فرض کنیم، به این معنا که طرف خارجی تصمیم‌گیرنده نهایی پیرامون آن منبع باشد، به نظر نمی‌رسد که قانون ابهام داشته باشد. تنها ابهام در مشخص نمودن مصادیق این قانون است. برای مثال، شاید بتوان گفت که قراردادهای امتیازی سنتی را که در آن دارنده امتیاز مالک و تصمیم‌گیرنده نهایی میدان نفتی کشف شده بوده است، می‌توان با سلطه بیگانه برابر فرض نمود؛ چرا که دارنده امتیاز، و نه دولت میزبان، تعیین‌کننده عوامل کلیدی مانند زمان استخراج، چگونگی استخراج و قیمت‌گذاری نفت تولیدی بوده است. ولی آیا قراردادهای امتیازی جدید را که در آن حاکمیت دولت میزبان بر روی میدان نفتی تصریح شده است و دارنده امتیاز تنها مالک بخشی از نفت تولیدی است، نیز می‌توان با همین استدلال با سلطه بیگانه یکی فرض نمود؟ به نظر امانی و حمیدزاده،^۲ اصطلاح سلطه که در اصل ۱۵۳ [و همچنین اصل ۴۳] از آن نام برده شده است، در صورتی معنا پیدا می‌کند که در قرارداد حقوق ویژه‌ای به طرف خارجی اعطا گردد که وی در حالت انحصاری قرار گرفته و در اثر آن بتواند از ورود دیگر سرمایه‌گذاران و اقدامات حاکمیتی بخش دولتی مانند نظارت و مدیریت بر جریان سرمایه‌گذاری جلوگیری به عمل آورد. از آنجایی که اعمال حاکمیت دولت میزبان بر روی منابع نفتی از طرق گوناگون مانند تأکید بر تولید صیانتی، کنترل و نظارت بر عملیات نفتی و توافق بر روی مبنای قیمت‌گذاری می‌تواند رخ دهد، دیگر شرکت بین‌المللی نفتی آن اقتدار پیشین را نداشته و در اینکه سرمایه‌گذاری در یک پروژه نفتی را با سازوکار جدید قراردادی برابر با سلطه بیگانه تفسیر کنیم، تردید جدی وجود دارد.

در قانون اساسی، به‌طور مشخص از واژگان نفت‌وگاز نام برده نشده است. ولی از این اصول چنین برمی‌آید که این بخش از صنعت در حوزه معادن بزرگ مورد خطاب واقع شده است. در اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی پایه‌ریزی شده است و چنانچه میادین نفت‌وگاز را در شمار معادن بزرگ قرار دهیم، این منابع

۱. امانی، مسعود و محمدحسین حمیدزاده، تحلیل حقوقی قراردادهای مشارکت در تولید در صنایع بالادستی نفت‌وگاز و قابلیت اعمال آن در حقوق ایران، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال ۱۶، بهار و تابستان، ۱۳۹۴، شماره ۱ (پیاپی ۴۱)، ص ۱۵۴.
 ۲. همان، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

طبیعی در بخش دولتی قرار گرفته که مالکیت آن عمومی و در اختیار دولت است. از واژه «در اختیار» چنین برمی آید که در این اصل بر حاکمیت دولت، و نه مالکیت آن بر معادن، صحه گذاری شده است.^۱ اصل ۴۵ معادن را جزء انفال و ثروت‌های عمومی برشمرده و اگرچه مشخص ننموده که معادن کدامیک از آنها بوده، ولی در هر صورت همگی در اختیار حکومت اسلامی است که از آنها برای مصالح عامه استفاده نماید. ماده ۲ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ به پیروی از همین اصل، انفال و ثروت‌های عمومی بودن منابع نفت کشور را تکرار نموده است. ماده ۲ قانون نفت ۱۳۹۰، ماده ۲ قانون نفت ۱۳۶۶ را اصلاح نموده و ضمن تأکید دوباره بر انفال و ثروت‌های عمومی بودن و اعمال حق حاکمیت و مالکیت بر روی منابع نفتی، اعمال حق حاکمیت و مالکیت بر روی تأسیسات نفتی را حذف نموده است. در اینجا این بحث پیش می آید که مالکیت تنها خود معدن باید در اختیار دولت باشد و چنانچه دولت طبق اصل ۴۵ قانون اساسی، بخواهد از آن به عنوان ثروت عمومی استفاده نماید، در ابتدا باید نسبت به استخراج ماده معدنی اقدام کند و سپس آن را به فروش یا در پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای کشور به مصرف برساند. بنابراین از این اصول چنین برمی آید که مالکیت معدن قابل واگذاری نیست، ولی مالکیت ماده معدنی پس از استخراج لزوماً باید قابل ایجاد (بر اساس قاعده حیازت)^۲ یا انتقال باشد تا بتوان از آن به عنوان ثروت عمومی در راه منافع و مصالح عامه مصرح در قانون اساسی، استفاده نمود. قاعده حیازت به عنوان یک قاعده حقوقی، در عین حال که غیرعادی است، معمول نیز می باشد.^۳

به منظور دریافت برداشتی درست از اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی پیرامون حاکمیت و مالکیت منابع نفت و گاز، چنانچه بخواهیم ریشه فقهی آن را جستجو کنیم، به نظر می رسد که قول انفال بودن مطلق معادن نفت و گاز (و نه مشترکات عامه) و باطنی بودن این معادن مورد استناد قانون گذار قرار گرفته است؛ اگرچه این موضوع به صراحت در جلسه مذاکره پیرامون اصل ۴۵ قانون اساسی

۱. شیروی، عبدالحسین، *حقوق نفت و گاز*، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳، ص ۱۷۲.

۲. Rule of Capture

۳. کاشانی، جواد، *وضعیت حقوق منابع نفت و گاز واقع در مرز کشورها*، حقوقی بین‌المللی، سال ۲۵، ۱۳۸۷، شماره ۳۹، ص ۱۷۵.

بیان نشده است.^۱ بر اساس همین دسته‌بندی، حاکم اسلامی که در اینجا منظور دولت است، طبق اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص معادن بزرگ که نفت و گاز نیز جزء معادن بزرگ محسوب شده، به نمایندگی از عامه می‌تواند نسبت به اقطاع^۲ معادن نفت و گاز (اقدام دولت اسلامی در تخصیص بهره‌برداری از معادن به نفع افراد ذی‌صلاح) در راستای منفعت عمومی اقدام نماید.^۳ هر چند به نظر می‌رسد که منظور از اقطاع ملکیت نیست و تنها بهره‌برداری افراد ذی‌صلاح (یا همان دارنده امتیاز بهره‌برداری) در مدت زمان معین است. اما همان‌طور که در قانون معادن اعمال می‌شود، دارنده امتیاز به منظور بهره‌برداری الزاماً در یک مقطعی از بهره‌برداری باید بتواند مالکیت ماده معدنی را عهده‌دار شود تا بتواند آن را به فروش برساند. بنابراین می‌توان این‌طور برداشت نمود، اگرچه به نظر برخی ماده استخراجی از معدن همان معدن تعبیر شده است،^۴ باید بین ماده معدنی و خود معدن تفکیک قائل شد که بر این اساس مالکیت معدن قابل واگذاری نیست و تنها مالکیت ماده معدنی پس از استخراج قابل ایجاد یا انتقال از طرف دولت اسلامی است تا اساساً بتوان به موضوع اقطاع که همان بهره‌برداری از معدن به نفع عموم بوده، جامعه عمل بیوشاند.

تاکنون این بررسی حقوقی در وضعیتی انجام شد که طرف قراردادی شرکت ملی نفت ایران، یک شرکت بین‌المللی نفتی است. حال چنانچه یک یا مشارکت چند شرکت اکتشاف و تولید داخلی طرف قرارداد شرکت ملی نفت ایران به منظور اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز کشور قرار گیرد، در تحلیل اصول نام‌برده از قانون اساسی و دیگر قوانین چه تغییری رخ خواهد داد. اصول ۱۵۳ و ۴۳ که در آن سلطه بیگانه بر منابع اقتصادی ایران منع شده است، هر چند در اعمال این اصول بر شرکت بین‌المللی نفتی که بر اساس سازوکار امتیازی جدید مسئولیت اکتشاف و توسعه میادین

۱. مجلس شورای اسلامی، *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد ۳، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۵۱۳ تا ۱۵۱۶.
۲. اقطاع اصطلاحی در امور ارضی، مالیاتی و دیوانی در قلمرو اسلام است که بر اساس آن زمین، آب، معدن یا منافع حاصل از آن، حق گردآوری خراج و مالیات یا محلی برای کسب‌وکار به کسی به‌طور محدود و در زمانی معین یا نامحدود واگذار می‌شود (برامکی‌یزدی، حجت‌الله و داود منظور، *بررسی و تحلیل فقهی قراردادهای توسعه میدان‌های نفت و گاز*، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۱۶، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۶۲، صص ۱۴۸).
۳. مرادی، عبدالرحیم و مسعودرضا رنجبر، *مالکیت منابع نفت و گاز درجا و بهره‌برداری از آن در فقه اسلام*، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۵، شماره ۴۶، صص ۸۷.
۴. یثربی، سید علی محمد و حبیب سبزواری، *مالکیت و مدیریت معادن نفت و گاز در فقه و قوانین ایران، فقه و مبانی حقوق اسلامی*، سال ۵۰، پاییز و زمستان، ۱۳۹۶، شماره ۲، صص ۴۹۸.

نفت و گاز را برعهده گرفته است، تردید جدی وجود دارد، می‌توان این‌گونه برداشت نمود که بار قانونی این اصول برای شرکت‌های اکتشاف و تولید داخلی به مراتب کمتر خواهد بود. بدیهی است، تنها به صرف داخلی و ایرانی بودن این شرکت‌ها، نمی‌توان پیش‌بینی نمود که سلطه اقتصادی رخ نخواهد داد؛ به طوری که روح قانون بیشتر بر سلطه تأکید داشته تا بر بیگانگی بودن، بلکه مسیر قانونی آن برای حضور شرکت‌های ایرانی هموار است و در صورت وجود سازوکار عادلانه و پیش شرط‌های لازم برای چنین شرکت‌هایی، می‌توان از مفهوم سلطه بر منابع طبیعی و اقتصادی ایران فاصله بسیار گرفت. به نظر می‌رسد پیرامون اصل ۸۱ قانون اساسی مبنی بر منع قانونی در دادن امتیاز به خارجی‌ان ایهامی وجود نداشته باشد و این اصل برای شرکت‌های اکتشاف و تولید داخلی کاربردی نخواهد داشت.

۳،۲. نظام مالی قراردادهای امتیازی

درآمدهای اصلی که مطابق قراردادهای نفتی توسط شرکت‌ها به کشورهای صاحب‌نفت پرداخت می‌شود، شامل چهار عامل پذیره، حق الارض، بهره مالکانه و مالیات است. در برخی دیگر از پژوهش‌ها تنها به عامل پذیره، بهره مالکانه و مالیات اشاره شده است.^۱ پذیره یک جریان درآمدی زود هنگام را برای دولت میزبان فراهم می‌نماید که می‌تواند با توجه به اهمیت میدان نفتی مورد واگذاری قدرت چانه‌زنی دولت را در مناقصه بالا ببرد.^۲ به پذیره‌ای که در زمان عقد قرارداد توسط دارنده امتیاز به دولت میزبان پرداخت می‌شود، پذیره امضاء^۳ می‌گویند. با ورود به دوران قراردادهای امتیازی جدید و افزایش سهم دولت دارنده منابع نفت و گاز، پذیره از نظر اندازه و نوع نیز دگرگون شد؛ به طوری که هم‌اکنون در قراردادهای امتیازی جدید به غیر از پذیره امضاء، پذیره

۱. Mazeel, M. (2010). *Petroleum Fiscal Systems and Contracts*. Diplomica Verlag, Hamburg, p 12.

۲. Smith, E.E; Dzienkowski, J.S.; Anderson, O.L.; Lowe, J.S.; Kramer, B.M.; Weaver, J.L. (2010). *Materials on International Petroleum Transactions*, 3rd Edition, Rocky Mountain Mineral Law Foundation, p 448.

۳. به نقل از: عامری، فیصل و محمدرضا شیرمردی دزکی، **قراردادهای امتیازی جدید و منافع کشورهای تولیدکننده نفت: تحلیلی بر مالکیت نفت، نظارت و مدیریت دولت میزبان و رژیم مالی قرارداد**، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، بهار، ۱۳۹۳، شماره ۶، ص ۸۷.

۴. Signature Bonus

تولید^۱ نیز مشاهده می‌شود.^۲ طبق تبصره ۲ ماده ۶ قانون معادن، متقاضیان پروانه اکتشافی باید مبلغی را که شورای عالی معادن تصویب کرده است، پرداخت نمایند. این مبلغ را می‌توان برابر با پذیره امضا در امتیازهای نفتی گرفت. طبق تبصره ۳ ماده ۶ قانون معادن، دارندگان پروانه اکتشافی به ازای هر کیلومتر مربع از محدوده اکتشافی باید مبلغی را به دولت پرداخت نمایند که این مبلغ طبق ماده ۲۵ قانون معادن که به تبصره ۴ ماده ۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۶ اشاره داشته، این پرداخت را همان حق الارض فرض کرده است.

بهره مالکانه می‌تواند به شکل نقدی یا جنسی^۳ پرداخت شود. روش‌های مختلفی برای پرداخت بهره مالکانه وجود دارد که نوع پیشرفته آن شیوه تصاعدی پرداخت^۴ است که با افزایش تولید، میزان آن افزایش می‌یابد. بهره مالکانه متغیر امروزه بیشتر از بهره مالکانه ثابت رایج است. بهره مالکانه معمولاً در یک مقیاس پلکانی بسته به سطوح تولید تعیین می‌شود. طبق ماده ۱۴ قانون معادن، دارنده پروانه بهره‌برداری باید درصدی از بهای ماده معدنی موضوع پروانه را به نرخ روز در سر معدن به عنوان حقوق دولتی به دولت بپردازد. طبق ماده ۲۵ همین قانون، این پرداخت برابر با بهره مالکانه فرض شده است. به مانند قراردادهای امتیازی، بهره مالکانه نیز مهم‌ترین بخش نظام مالی قانون معادن ایران است. واژه «در سر معدن» که در قانون معادن بیان شده، برابر با همان واژه «سر چاه» در قراردادهای امتیازی است. بنابراین نقطه محاسبه حقوق دولتی یا همان بهره مالکانه در قانون و قراردادهای امتیازی نفت یکی است. طبق ماده ۶۰ آیین‌نامه اجرایی،^۵ حقوق دولتی بر مبنای ۱۰ درصد از بهای واحد ماده معدنی استخراج شده به نرخ روز در سر معدن تعیین می‌گردد. طبق تبصره ۱ همین ماده، وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌تواند مبنای حقوق دولتی را بر اساس ضرایبی که بستگی به عوامل مختلف مانند میزان ذخیره، روش استخراج، کیفیت ماده

۱. Production Bonus

۲. امیرمعینی، مهران، کاربرد ابزارهای مالی در قراردادهای نفت و گاز: الگویی برای ایران، مطالعات اقتصاد انرژی، سال ۳، بهار، ۱۳۸۵، شماره ۸، ص ۱۰۶.

۳. Cash or Kind

۴. Graduated Royalty

۵. وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۲، آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، مصوب وزیران عضو کارگروه توسعه بخش معدن مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷.

معدنی و معادن دورافتاده داشته، کاهش یا افزایش دهد؛ به طوری که کاهش آن برای معادن بزرگ کمتر از ۵ درصد نشود و افزایش آن برای سایر معادن از ۳۰ درصد تجاوز ننماید.

هر چند در قانون معادن از آنجا که افراد حقیقی و حقوقی که دارنده پروانه بهره‌برداری هستند، ایرانی بوده و تابع قانون مالیات ایران هستند، به مالیات اشاره نشده، اما از باب مقایسه با قراردادهای امتیازی در اینجا بیان می‌گردد که اگر مالیات در قراردادهای امتیازی تابع قانون جاری دولت میزبان باشد، تفاوتی با قانون معادن ایران نخواهد داشت. اما از آنجایی که در برخی کشورها قانون ویژه مالیات نفت برای جلوگیری از دستیابی دارنده امتیاز به سودهای بادآورده^۱ تعیین شده، در این صورت چنین مالیاتی در قانون معادن دیده نشده است و بهره‌برداران تنها موظف‌اند که بر اساس قانون جاری کشور در بخش مالیات، نسبت به پرداخت مالیات بر درآمد خود اقدام نمایند. علت این امر به نظر می‌رسد که نوسانات قیمتی کمتر مواد معدنی نسبت به نوسانات قیمتی نفت و گاز باشد که امکان سود بادآورده را برای بهره‌بردار نفتی فراهم می‌کند. هم‌اکنون در ایران، قانون ویژه مالیات نفت وجود ندارد که علت آن هم به سبب نوع قراردادهای نفتی به کار رفته در ایران که همان بیع متقابل بوده، است؛ به طوری که پیمانکار به هیچ وجه مالک ماده معدنی یا همان نفت و گاز نمی‌شود تا تحت تأثیر نوسانات قیمت نفت و گاز، سود او تغییر نماید. با توجه به به کارگیری نظام مالی در واگذاری معادن کشور به بهره‌برداران و از آنجایی که جداپذیری معادن بزرگ به نفتی و غیرنفتی در قانون اساسی ایران رخ نداده و همچنین ایرانی بودن شرکت‌های نفتی که وزارت نفت صلاحیت [حداقلی] آنها را تأیید کرده است، به نظر می‌رسد که استفاده از سازوکار مالی ویژه قراردادهای امتیازی در واگذاری پروژه‌های اکتشاف، توسعه و تولید به شرکت‌های اکتشاف و تولید داخلی منع قانونی وجود نداشته باشد.

۳,۳. شیوه واگذاری و نظارت

در اصل ۸۱ قانون اساسی دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور مختلف، از جمله معادن، به خارجی‌ان مطلقاً ممنوع شده است. اگرچه به نظر می‌رسد با استناد به این اصل، دادن امتیازهای نفتی به خارجی‌ان منع شده است. اما اگر دقیق‌تر بررسی شود، شاید تفسیر دیگری از آن بتوان به دست آورد. به طور معمول در قراردادهای امتیازی، امتیاز کشف و بهره‌برداری چه به طور

۱. Windfall Profit Tax

مجزا و چه در کنار یکدیگر، به یک شرکت از پیش تأسیس شده اعطا می‌شود. همین رویه در قانون معادن^۱ نیز حاکم است. اما آنچه در اصل ۸۱ تصریح شده، امتیاز تشکیل شرکت بوده که با دادن امتیاز به یک شرکت تأسیس شده متفاوت است.^۲ هر چند به نظر می‌رسد که نتیجه امر یکی است و آنچه که قانون‌گذار در پی آن بوده، منع ورود خارجیان به امور مختلف اقتصادی ایران بوده است. ردیف پنج از بند «پ» (امور اجرایی) از ماده ۳ (وظایف و اختیارات وزارت نفت) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ به صراحت بیان می‌دارد که صدور مجوز فعالیت و پروانه بهره‌برداری برای اشخاص حقوقی واجد صلاحیت برای اکتشاف، توسعه، استخراج و تولید از کلیه میادین نفت و گاز کشور برعهده وزارت نفت است. اگرچه در این قانون آشکارا به صدور مجوز فعالیت و پروانه بهره‌برداری که از ویژگی‌های نظام امتیازی است، نام برده شده، اما در عمل به نظر می‌رسد که پروانه بهره‌برداری (بدون حق مالکیت نسبت به نفت و گاز تولیدی) تنها برای تولید در برخی میادین صادر شده باشد.^۳ در ماده نام‌برده از قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، از واژه سرمایه‌ها، سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی در کنار خارجی نام برده است که می‌توان این‌گونه برداشت نمود شرکت‌های اکتشاف و تولید داخلی نیز، به شرط دارا بودن شرایط لازم، امکان حضور در صنعت بالادستی نفت و گاز کشور را به مانند شرکت‌های بین‌المللی نفتی دارند.

ماده ۶ قانون نفت ۱۳۶۶ که پیرامون آن بحث‌های فراوانی انجام گرفته است، بیان می‌کند که در ابتدا سرمایه‌گذاری‌ها در این حوزه باید به مانند سایر هزینه‌های عملیاتی وارد بودجه کل کشور شود. سپس در بخش بعدی بیان می‌کند که محل تأمین بودجه نیز نمی‌تواند از محل سرمایه‌گذاری خارجی باشد. طبق این اصل، سرمایه‌گذاری داخلی برای تأمین هزینه‌های پروژه‌های بالادستی شرکت ملی نفت توسط شرکت‌های اکتشاف و تولید داخلی امکان‌پذیر به نظر می‌رسد. در ماده ۳ قانون نفت ۱۳۶۶ حرفی از باب نظارت بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت زده نشده بود که در

۱. سازمان نظام مهندسی معدن، **قانون معادن**، انتشارات سازمان نظام مهندسی معدن، چاپ اول، ۱۳۹۲.
 ۲. در جلسه بررسی این اصل، طاهری اصفهانی به زیادی بودن واژه تشکیل اشاره کرد که بهشتی عنوان کرد که ضرری ندارد، باشد (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۱۸۰۱). به نظر می‌رسد که چنانچه واژه تشکیل از این اصل حذف می‌گردید، جنبه عام‌تری پیدا می‌کرد و دیگر این ایراد به آن وارد نبود.
 ۳. ماهنامه اکتشاف و تولید، شماره ۹۹، اسفند ۱۳۹۱ و فروردین ۱۳۹۲؛ طلحه حضور شرکت ملی نفت ایران در فضای تجاری و بین‌المللی؛ صدور پروانه بهره‌برداری موقت برای ۲۹ میدان نفتی کشور، محمد امین همت: معاونت برنامه‌ریزی وزارت نفت.

اصلاحیه آن در قانون نفت ۱۳۹۰ این وظیفه بر دوش هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی گذاشته شد. ماده ۶ قانون نفت ۱۳۶۶ بدون هیچ اصلاحی در قانون نفت ۱۳۹۰ دست‌نخورده باقی ماند. ماده ۸ این قانون وزارت نفت را موظف کرده است، قراردادهای اکتشاف و توسعه میادین نفتی را که متضمن تعهدات بیش از پنج سال است، به صورت محرمانه برای مجلس شورای اسلامی ارسال نماید که به نظر می‌رسد این ماده در راستای نظارت بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت بر روی منابع نفتی تدوین شده باشد.

به نظر می‌رسد بند «ح» از تبصره ۲۹ قانون برنامه پنج‌ساله نخست (۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳) مصوب ۱۳۶۸ در راستای محقق نمودن ماده ۶ قانون نفت ۱۳۶۶ تدوین شده باشد. بخش دوم این بند بیان می‌کند که انعقاد این قراردادها باید به نحوی باشد که بازپرداخت هزینه‌های سرمایه‌گذاری از محل تولیدات میادین نام‌برده انجام گیرد. این مورد در برنامه پنج‌ساله دوم (۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸) نیز تکرار شد و طبق بند «م» از تبصره ۲۲ به دستگاه‌های اجرایی (از جمله وزارت نفت) اجازه داده شد تا سقف شش میلیارد و پانصد میلیون دلار از راه بیع متقابل طرح‌های اجرایی را که بیشتر طرح‌های اجرایی وزارت نفت طبق جدول ۱۳ این قانون از نوع توسعه‌ای بوده، محقق سازند. در ماده ۳۳ قانون برنامه پنج‌ساله سوم (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) اشاره شده است که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پیرامون اکتشاف، استخراج و تولید نفت خام در انحصار دولت است و از آنجایی که سیاست‌گذاری نتیجه عملی اعمال حاکمیت بوده، به کارگیری واژه دولت می‌تواند تعبیر واژه حکومت اسلامی در اصل ۴۵ قانون اساسی تلقی گردد. در این قانون، دیگر تعیین سقف بودجه ارزی برای سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی نفت و گاز مشاهده نشد. در بند «ب» از ماده ۱۴ قانون برنامه پنج‌ساله چهارم (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸) دوباره سقف سرمایه‌گذاری خارجی که شرکت ملی نفت مجاز است، به منظور توسعه فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز انجام دهد، تعیین شده است؛ با این تفاوت که مبلغ مشخصی قید نشده و تنها عایدات حاصل از تولید اضافی نفت و گاز در نظر گرفته شده است. نکته مهم دیگری که در این بند مشاهده می‌شود، به کارگیری صریح عبارت روش‌های مختلف قراردادی بین‌المللی است. ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴) برای نخستین بار از واژه پروانه اکتشاف، توسعه و تولید نام برده است که در سازوکار امتیازی در حوزه نفت و گاز مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین به مانند برنامه چهارم، استفاده از انواع روش‌های اکتشاف، توسعه و تولید با حفظ

حق مالکیت و اعمال تصرفات مالکانه برای دولت، دوباره قید شده است. پیرو ماده ۱۲۵، طبق بند «ب» از ماده ۱۲۹ وزارت نفت موظف گردید که برای فعالیت‌های اکتشاف، توسعه، استخراج و تولید نفت و گاز توسط شرکت‌های تابعه وزارت نفت و شرکت‌های صاحب‌صلاحیت و با اتخاذ ضوابط تولید صیانتی، پروانه بهره‌برداری بدون حق مالکیت نسبت به نفت و گاز تولیدی صادر نماید. از آنجایی که در این ماده به صراحت مشخص نشده است، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که پروانه بهره‌برداری برای شرکت‌های نفتی خارجی نیز می‌تواند صادر گردد. در بند «ج» از ماده ۴۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰)، وزارت نفت موظف شده است که تمهیدات لازم را برای استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف، تولید و بهره‌برداری (نه مالکیت) میدین نفت و گاز به‌ویژه میدین مشترک در چهارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به‌عمل آورد. طبق بند «الف» از ماده ۴ این قانون، همه دستگاه‌های اجرایی موظف شدند که سیاست‌گذاری لازم برای جذب منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاری در قالب‌های مختلف از جمله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و قراردادهای مشارکتی خارجی را انجام دهند.

نتیجه گیری

در بخش حاکمیت و مالکیت در ترتیبات امتیازی می توان این گونه جمع بندی نمود که حاکمیت بر روی منابع نفت و گاز کماکان در اختیار دولت میزبان است و دولت میزبان مالکیت نفت و گاز درون مخزن را برعهده دارد و مالکیت نفت و گاز تولیدی در سر چاه برای شرکت نفتی ایجاد یا منتقل می گردد. همین رویکرد در قانون معدن ایران به کار گرفته شده است؛ به طوری که بهره بردار، به شرط پرداخت حقوق دولتی (یا همان بهره مالکانه در قراردادهای نفتی) به خزانه عمومی، از مالکیت ماده معدنی استخراج شده، بهره مند می گردد. بنابراین به نظر نمی رسد که مالکیت شرکت بین المللی نفتی بر روی نفت و گاز تولیدی که بر اساس رویکرد امتیازی (جدید) نسبت به توسعه منابع نفتی اقدام کرده باشند، به جز ممنوعیت اصل ۸۱، شامل ممنوعیت دیگری در قانون اساسی باشند. همچنین، از آنجا که در رویکرد جدید قراردادهای امتیازی که در بسیاری از کشورها به کار گرفته می شود، دولت میزبان تصمیم گیرنده نهایی پیرامون پیشبرد عملیات نفتی است، نمی توان از آن به عنوان سلطه بر منابع نفت و گاز یاد کرد و بنابراین مغایرت جدی در این خصوص با قانون اساسی ایران ندارد. از طرف دیگر، شرکت های اکتشاف و تولید داخلی مشمول اصل ۸۱ قانون اساسی نیز نخواهند بود و تنها محدودیت قانون اساسی که برای دادن امتیاز به خارجیان است، برای آنها وجود ندارد. در اینجا باید بین امکان سنجی حقوقی که نتایج آن به منابع حقوقی و قوانین و مقررات جاری وابسته است، با مقوله اجرایی نمودن قانون که به نگرش و ذهنیت مجری قانون پیوند خورده است، تفاوت قائل شد. در این راستا می توان اشاره داشت که اگرچه به کارگیری قراردادهای امتیازی، دست کم برای شرکت های اکتشاف و تولید داخلی، ممنوعیت قانونی جدی وجود ندارد، اما احتمالاً به سبب همین نگرش، موضوع قراردادهای امتیازی به سرعت از دستور کار کارگروه تدوین قراردادهای جدید نفتی ایران خارج شد.^۱

در قوانین نفت ۱۳۶۶ و ۱۳۹۰ تنها محدودیت در ورود سرمایه های خارجی در صنعت بالادستی نفت و گاز کشور مشاهده شده است که دوباره این منع قانونی شامل حال شرکت های اکتشاف و تولید داخلی نمی گردد. در قوانین برنامه های پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز این محدودیت قوانین نفت تا حدود زیادی تعدیل گردید تا اندازه ای که می توان برداشت نمود این

۱. عمادی، مصاحبه شخصی، ۸ بهمن ۱۳۹۷.

محدودیت برای شرکت‌های بین‌المللی نفتی نیز برداشته شده است. در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه و همچنین قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت نیز وزارت نفت مجاز شده است تا برای صدور پروانه اکتشاف، توسعه و تولید که از ویژگی‌های ترتیبات امتیازی است، اقدام نماید. هم‌اکنون این پروانه‌ها برای اکتشاف و توسعه معادن کشور توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت صادر می‌شود، ولی به نظر می‌رسد که پروانه‌های صادرشده از سوی وزارت نفت تنها برای بخش بهره‌برداری یا تولید نفت و گاز بوده و این ظرفیت قانونی در بخش اکتشاف و توسعه میدین نفت و گاز کشور به کار گرفته نشده باشد. در جمع‌بندی کلی می‌توان این‌گونه بیان داشت که منع قانونی جدی برای انجام فعالیت شرکت‌های اکتشاف و تولید داخلی در انجام عملیات بالادستی نفت و گاز کشور با الگوی قراردادهای امتیازی مشاهده نمی‌شود. در گام بعدی، پژوهش‌های آتی مرتبط با موضوع مقاله حاضر می‌تواند بر روی دو بخش اصلی دیدگاه مسئولین و قانون‌گذاران در این خصوص و بررسی توانمندی شرکت‌های اکتشاف و تولید داخلی در اجرای عملیات در حوزه بالادستی نفت و گاز متمرکز گردد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. حاتمی، علی و اسماعیل کریمیان، *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری*، انتشارات تیسرا، ۱۳۹۳.
۲. سازمان نظام مهندسی معدن، *قانون معادن*، انتشارات سازمان نظام مهندسی معدن، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۳. شیروی، عبدالحسین، *حقوق نفت و گاز*، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۴. مجلس شورای اسلامی، *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد سوم، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۵. وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۲، *آیین‌نامه اجرایی قانون معادن*، مصوب وزیران عضو کارگروه توسعه بخش معدن مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷.

مقاله

۶. ابراهیمی، سید نصرالله و محمد شیریحیان، *قراردادهای بالادستی نفت و گاز نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید*، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، ۱۳۹۳، شماره ۱۰، بهار، صص ۱-۳۹.
۷. امانی، مسعود و محمدحسین حمیدزاده، *تحلیل حقوقی قراردادهای مشارکت در تولید در صنایع بالادستی نفت و گاز و قابلیت اعمال آن در حقوق ایران*، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال ۱۶، بهار و تابستان، ۱۳۹۴، شماره ۱ (پیاپی ۴۱)، صص ۱۵۱ - ۱۸۰.
۸. امیرمعینی، مهران، *کاربرد ابزارهای مالی در قراردادهای نفت و گاز: الگویی برای ایران*، مطالعات اقتصاد انرژی، سال ۳، بهار ۱۳۸۵، شماره ۸، صص ۹۱ - ۱۲۹.
۹. امین‌زاده، الهام و علی نصراللهی، *تبیین ماهیت قراردادهای نفتی از دیدگاه حقوق*

- اداری، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۶ بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۱، صص ۱۹-۳۸.
۱۰. برامکی، یزدی، حجت‌الله و داود منظور، بررسی و تحلیل فقهی قراردادهای توسعه میدان‌های نفت و گاز، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۱۶، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۶۲، صص ۱۳۹-۱۶۴.
۱۱. خسروی فارسانی، مسعود، فرامرز عطریا، و محمدشرف شاهی، بررسی نظارت - مهيار قراردادهای نفتی در پرتو اصول ذاتی نظارت، حقوق اداری، سال هفتم، پاییز ۱۳۹۸، شماره ۲۰، صص ۶۷-۹۴.
۱۲. ریسی، مینا، امتیاز داری، مطالعات تاریخی، تابستان، ۱۳۹۱، شماره ۳۷، صص ۱۸۵-۲۰۹.
۱۳. صفاکیش کاشانی، حبیب‌اله و مهدی عباسی سرمدی، بررسی تحولات تاریخی حقوقی در قراردادهای بین‌المللی امتیازی نفت و گاز، نشریه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، بهار، ۱۳۹۸، شماره ۵۲، صص ۷-۲۲.
۱۴. طاهری فرد، علی، محمد شیرجیان، و محمدرضا مهرانفشان، بررسی تطبیقی اساسنامه‌های شرکت ملی نفت ایران در دوره زمانی ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۶: ارائه اصولی برای اساسنامه جدید، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، بهار، ۱۳۹۴، شماره ۱۴، صص ۱۲۳-۱۵۲.
۱۵. عامری، فیصل و محمدرضا شیرمردی دزکی، قراردادهای امتیازی جدید و منافع کشورهای تولیدکننده نفت: تحلیلی بر مالکیت نفت، نظارت و مدیریت دولت میزبان و رژیم مالی قرارداد، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، بهار، ۱۳۹۳، شماره ۶، صص ۶۳-۱۰۸.
۱۶. قلی‌زاده، مژده و لادن فرومند، بررسی سیر تحولات قانونی قرارداد امتیاز در ایران، فصلنامه مطالعات حقوقی، ۱۳۹۶، شماره ۱۸، صص ۴۵-۶۵.
۱۷. کاشانی، جواد، وضعیت حقوق منابع نفت و گاز واقع در مرز کشورها، حقوقی بین‌المللی، سال ۲۵، ۱۳۸۷، شماره ۳۹، صص ۱۶۵-۲۱۹.

۱۸. گودرزی، زهرا و ولی رستمی، **تحلیل ماهیت درآمدهای شرکت ملی نفت ایران و نظام حقوقی حاکم آن**، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، پاییز و زمستان، ۱۳۹۷، شماره ۲، صص ۵۱۷-۵۴۵.
۱۹. مبارکی، مصطفی، محمدکاظم عمادزاده، و غلامحسین مسعود، **مراجع ذی صلاح داوری و دادرسی در قراردادهای اداری و نفتی ایران**، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال ۱۸، پاییز و زمستان، ۱۳۹۶، شماره ۲ (پیاپی ۴۶)، صص ۱۴۹-۱۷۰.
۲۰. مرادی، عبدالرحیم و مسعودرضا رنجبر، **مالکیت منابع نفت و گاز در جا و بهره‌برداری از آن در فقه اسلام**، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۵، شماره ۴۶، صص ۶۹-۸۸.
۲۱. منتظر، مهدی و سیدنصرالله ابراهیمی، **جایگاه قراردادهای بیع متقابل در پروژه‌های بالادستی نفت و گاز ایران و مقایسه آن با قراردادهای مشارکت در تولید**، مجله حقوقی بین‌المللی، پاییز و زمستان، ۱۳۹۲، شماره ۴۹، صص ۲۱۵-۲۳۲.
۲۲. منظور، داود، روح‌اله کهن‌هوش‌نژاد و مسعود امانی، **ارزیابی مالی قراردادهای منتخب بیع متقابل نفتی و مقایسه آن با قراردادهای مشارکت در تولید**، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال پنجم، بهار، ۱۳۹۵، شماره ۱۸، صص ۱۷۹-۲۱۷.
۲۳. نیک‌بخت، حمیدرضا و محمد آرین، **طراحی الگوهای قراردادی جدید برای توسعه میادین هیدروکربوری ایران: بررسی و نقد قانون جدید وزارت نفت**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۷۱.
۲۴. وحیدی‌راد، میکائیل، **روزنامه (ندای) جنوب؛ بررسی مواضع نخستین روزنامه مخالف قرارداد داری در ایران**، پژوهش‌های علوم تاریخی، پاییز و زمستان، ۱۳۹۶، شماره ۱۶، صص ۱۱۱ تا ۱۳۰.
۲۵. یاراحمدی، مهدی، **بررسی ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی قرارداد داری برای دولت قاجار**، تاریخ پژوهی، زمستان، ۱۳۹۴، شماره ۶۵، صص ۲۴۷-۲۶۴.
۲۶. یثربی، سید علی محمد و حبیب سبزواری، **مالکیت و مدیریت معادن نفت و گاز در فقه**

و قوانین ایران، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۵۰، پاییز و زمستان، ۱۳۹۶، شماره ۲، صص ۴۹۵-۵۱۷.

ب) منابع انگلیسی

Books

27. Bret-Rouzaut, N. and Favennec, J.P. (2011). *Oil and Gas Exploration and Production: Reserves, Costs and Contracts*. 3rd Edition, Editions Technip, Paris.
28. De Alencar Xavier, Y.M. (2015). *Energy Law in Brazil: Oil, Gas and Biofuels*. Springer. Switzerland.
29. Gao, Z. (1994). *International Petroleum Contracts*, 1st Edition, International energy and resources law and policy series.
30. Lynch, J.C. (1987). *Petroleum Licenses/Contracts Force Majeure and Renegotiation Issues in Relation to the Recent Oil Price Collapse*, Dissertation submitted in part fulfilment for the award of the degree of LL.M. of the University of Glasgow.
31. Mazeel, M. (2010). *Petroleum Fiscal Systems and Contracts*. Diplomica Verlag, Hamburg.
32. Picton-Turbervill, G. (2009). *Oil and Gas: A Practical Handbook*, Globe Law and Business, London.
33. Smith, E.E; Dzienkowski, J.S.; Anderson, O.L.; Lowe, J.S.; Kramer, B.M.; Weaver, J.L. (2010). *Materials on International Petroleum Transactions*, 3rd Edition, Rocky Mountain Mineral Law Foundation.

Paper

34. Baloro, J. (1986). "The legal status of concession agreements in international law". *The Comparative and International Law Journal of Southern Africa*, 19(3), 410-449.